

# تاریخچه کاپیتولاسیون در ایران و پی آمدهای آن

محمد علی اختری\*



ژرفشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان کالونیاں او مطالعات فرہنگی

پرتال جامع علوم انسانی

## تاریخچه کاپیتولاسیون در ایران و بی‌آمدهای آن

### مقاومت و مخالفت مردم با کاپیتولاسیون

کم‌کم مردم ایران از امتیازات مربوط به کاپیتولاسیون و بی‌آمدهای آن ناراضی می‌شدند و در شورشها و نهضت‌های مردم ایران در زمان قاجاریه یکی از انگیزه‌های مهم، همین موضوع کاپیتولاسیون بود و سران و گردانندگان نهضتها با تشریح وضع اسفبار مملکت و امتیازات فراوانی که اتباع خارجی در ایران داشتند مردم را به قیام و شورش تحریک می‌کردند. پس از انقلاب مشروطه، خشم مردم نسبت به کاپیتولاسیون افزایش یافت. از جمله پس از برکناری محمدعلی شاه از سلطنت، بی‌رم‌خان ارمنی تصدی شهربانی تهران را به عهده گرفت. او سعی نمود به نحوی با کاپیتولاسیون عملاً مقابله نماید. شخصی از قوام‌التجار طلبکار بود و نمی‌توانست طلب خود را دریافت کند، زیرا وی تابعیت روس را به دست آورده بود. بی‌رم‌خان مأموری برای احضار قوام‌التجار فرستاد. نوکران قوام‌التجار مأمور دولت را مجروح کردند. بی‌رم‌خان دستور جلب قوام‌التجار را صادر کرد و او را در خانه‌اش توقیف کرده و به شهربانی آوردند، ولی او مدعی تابعیت روس شد و مأمورین ایرانی را صالح ندانست ولی به دستور بی‌رم‌خان او را زندانی کردند تا غرامت پرداخت و آزاد شد.

نمونه دیگری که گفته شده این است که: بی‌رم‌خان یک نفر انگلیسی، کارمند تلگراف خانه انگلیس را که هر شب بدمستی می‌کرد و کوزه‌های کوزه‌گر همسایه خود را می‌شکست بازداشت نمود و تلاش دبیر سفارت و کنسول انگلیس برای آزادی او نتیجه نداد.<sup>۱</sup>

و بالاخره در سال ۱۹۱۱ حکام ایالات بحر خزر خواستار این شدند که دعاوی مربوط به بیگانگان از محاکم کارگزاری جدا و به محاکم معمولی انتقال یابد.<sup>۱</sup>

در سال ۱۲۹۷ - ۱۹۱۸ در کابینه صمصام السلطنه بختیاری دو تصویب‌نامه درباره کاپیتولاسیون به تصویب رسید. در یکی از تصویب‌نامه‌ها قید گردید «معاهدات، مقاولات و امتیازاتی که از یکصد سال پیش به این طرف، دولت استبدادی روس و اتباع آن از ایران گرفته‌اند، تماماً تحت فشار و جبر و زور یا به وسیله عوامل غیرمشروع از قبیل تهدید و تطمیع برخلاف صلاح و صرفه مملکت و ملت ایران گرفته شده است و با استناد به قانون اساسی و حق حاکمیت ایران الغاء می‌گردد. وزارت عامه و تجارت و فلاحات موضوع را به آگهی عموم برساند».<sup>۲</sup>

و در تصویب‌نامه دوم می‌گوید: «محاکمات وزارت خارجه باید موقوف و رسیدگی به دعاوی واقع بین اتباع خارجه و اتباع ایران در محاکم عدلیه موافق قوانین مملکتی بعمل آید.» البته این اقدام پس از سقوط دولت تزاری در روسیه و پیروزی دولت کمونیستی در آن کشور است که خود مخالف این امتیازات بودند.

البته ناگفته نماند، مرحوم دکتر محمد مصدق در سال ۱۹۱۵ و پس از این اقدام دولت صمصام السلطنه و پس از اعلام الغای کاپیتولاسیون در ترکیه (۱۹۱۴) کتابی نوشته و کاپیتولاسیون را در ترکیه و ایران مورد بحث قرار داده و مفاد آن را آشکار و راه الغای آن را به اطلاع عموم رسانید و سعی او در این مورد نباید فراموش شود.

اما دولت صمصام السلطنه در ۹ اوت ۱۹۱۸ سقوط کرد و مقررات کاپیتولاسیون مجدداً برقرار شد!

### الغای قطعی کاپیتولاسیون

پس از بر افتادن حکومت تزاری در روسیه و تشکیل حکومت شورایی در کشور مرقوم، دولت جدید شوروی به موجب مراسله ۲۵ ژوئن ۱۹۱۹ کلیه امتیازات دولت تزاری را

۱. دکتر امیرخان سپهوند، اثر پیشین، ص ۵۲.

۲. دکتر جلال الدین مدنی، همان، ج اول، ص ۴۴.

غیرقانونی و باطل و ظالمانه اعلام کرد.

و متعاقب آن در سال ۱۹۲۱ به موجب قرارداد معاهده دوستی بین ایران و شوروی، قرارداد کاپیتولاسیون به کلی برای اتباع شوروی از میان رفت. ولی بقیه دولتهای دیگر هنوز آمادگی قبول وضع جدید را نداشتند. با انحلال عدلیه قدیم و تشکیل وزارت عدلیه جدید، قوانین لازم و تشکیلات لازم ایجاد گردید. در آذر ۱۳۰۴ سلطنت از خاندان قاجار به سلسله پهلوی واگذار شد و متعاقب آن قانون جزای عمومی در دی ماه ۱۳۰۴ تصویب شد و سال بعد مرحوم داور وزیر عدلیه به موجب فرمان زیر، عدلیه را منحل اعلام نمود:

«کلیه تشکیلات دادگستری موجود در تهران از فردا منحل است» پنجشنبه ۲۰ بهمن ۱۳۰۵، وزیر عدلیه داور.<sup>۱</sup>

یک هفته بعد در ۱۳۰۵/۱۱/۲۷ ماده واحده اختیارات داور در مجلس شورای ملی تصویب شد. به دنبال تصویب این لایحه، وزیر عدلیه داور عدلیه جدید را تشکیل داد و در تاریخ ۱۳۰۶/۲/۶ قضات جدید به حضور رضاشاه رسیدند و در همان جلسه معارفه، رضاشاه دست خطی مبنی بر الغای کاپیتولاسیون به مضمون زیر خطاب به رئیس الوزرای وقت مرحوم مستوفی الممالک صادر فرمودند:

«جناب اشرف رئیس الوزرا: در این موقع که تشکیلات جدید عدلیه شروع می شود لازم می دانم اراده خود را در باب الغاء کاپیتولاسیون که از نقطه نظر حفظ شوئت و حقوق مملکت دارای کمال اهمیت است، خاطر نشان هیأت دولت نمایم که از طرف دولت موجبات عملی شدن آن فراهم گردد. بنابراین جناب اشرف مأمور است که موجبات اجرای این مقصود را فراهم سازد. رضاشاه پهلوی».<sup>۲</sup>

پس از صدور این فرمان کفیل وزارت امور خارجه وقت، آقای پاکروان در تاریخ ۱۳۰۶/۲/۱۹ مطابق دهم ماه مه ۱۹۲۷ نامه ذیل را برای وزراء مختار مختلف دول بیگانه در ایران فرستاد:

تاریخ ۱۰ مه ۱۹۲۷ - ۱۹ اردیبهشت ۱۳۰۶ ضمیمه ۷۴ نمره خصوصی - نمره

۱. دکتر عبدالله معظمی، اثر پیشین، ص ۵۰.

۲. همان، ص ۵۱.

عمومی ۱۸۴۵.

آقای وزیر مختار، چنانچه خاطر محترم آن جناب مستحضر گردیده است اراده سنیه اعلی حضرت شاهنشاه متبوع مفخم دوستدار بر این قرار گرفته است که قضاوت قنسولها و مزایای اتباع خارجه در مملکت ایران که معمولاً به حقوق کاپیتولاسیون تعبیر می‌شود، موقوف و ملغی گردد. و البته تصدیق می‌فرمایید که تغییرات کلی که در اوضاع این مملکت و افکار عامه روی داد، اجرای این نیت را ایجاب می‌نماید و از طرف دیگر دولت ایران همواره عهود و موثیق خود را که از روی اختیار و بدون اکراه و اجبار قبول نموده محترم شمرده و حتی الامکان از نقض آنها احتراز دارد، بنابراین اولیای این دولت چنین در نظر گرفته‌اند که عهدنامه‌هایی را که با دول متحابه دارند برای نیل به حصول مقصود مقدس ملوکانه که امروزه آمال و آرزوی ملت ایران است تجدید کنند، علی‌هذا با کمال افتخار به اطلاع خاطر محترم آن جناب رسانیده، اعلام می‌کنم که اولیای دولت دوستدار عهدنامه‌ای را که بین دولت ایران و دولت..... در تاریخ..... منعقد گردیده به موجب فصل..... از همان عهدنامه فسخ می‌نماید و کمال مسرت را خواهند داشت که در عرض مدت یکسال که هنوز معاهده موجود مستمر و مجری خواهد بود، دولت متبوعه آن جناب جهت عقد معاهده جدید با دولت ایران اقدام مقتضی بفرمایند که از تاریخ دهم مه سال ۱۹۲۸ که معاهده حالیه ملغی و بلااثر خواهد بود در روابط حسنه موجود بین دولتین و ملتین انقطاع نیابد و خواهشمند است مراتب فوق را لطفاً به اطلاع اولیاء دولت متبوعه خودتان برسانید. در خاتمه موقع را غنیمت شمرده احترامات فائقه را تجدید می‌نماید. محل امضاء حسن مستوفی.<sup>۱</sup>

اتازونی، عهدنامه ۱۳ دسامبر ۱۸۵۶ به موجب فصل هشتم.

- آلمان، عهدنامه ۱۱ ژوئن ۱۸۷۳ به موجب فصل نوزدهم.

۱. نشریه ایران‌شهر، جلد اول، صص ۵۴۱-۵۴۲ و دکتر عبدالله معظمی، اثر پیشین، ص ۵۱. قابل توجه است که در کتاب دکتر معظمی یادداشت به سفارتخانه‌ها به امضای پاکروان کفیل وزیر خارجه است. ولی در کتاب ایران‌شهر که اصل آن گردآوری شده به امضای رئیس الوزرا، حسن مستوفی می‌باشد.

- هلند، عهدنامه ۳ ژوئیه ۱۸۵۷ به موجب فصل ششم.  
- ایتالیا، عهدنامه ۲۴ سپتامبر ۱۸۶۲ به موجب فصل هشتم.  
- بلژیک، عهدنامه ۳۱ ژوئیه ۱۸۵۷ به موجب فصل نهم.  
- سوئیس، عهدنامه ۲۳ ژوئیه ۱۸۷۳ به موجب فصل هشتم.<sup>۱</sup>

دولت ایران در این یادداشت ضمن اعلام فسخ معاهدات موجود، از دولی که با ایران روابط قراردادی داشتند، تقاضا کرد که حاضر شده و با ایران معاهدات جدیدی منعقد کنند. به همین جهت عهدنامه‌هایی در همان تاریخ به طور موقت با دول دیگر بسته شد و کاپیتولاسیون لغو شد. بعداً قراردادهای موقتی به قراردادهای دائمی و قطعی تبدیل شد که مهمترین آنها عبارتند از اسناد ذیل:

۱ - عهدنامه مودت بین دولتین ایران و آلمان در ۵ ماده، به تاریخ ۱۳۰۷/۱۱/۲۸ برابر ۱۷ فوریه ۱۹۲۹

۲ - قرارداد اقامت بین ایران و آلمان در ۱۹ ماده، به تاریخ ۱۳۰۷/۱۱/۲۸ برابر ۱۷ فوریه ۱۹۲۹

۳ - قرارداد تجارتی و گمرکی و بحریمایی بین ایران و آلمان در ۱۲ ماده، به تاریخ ۱۳۰۷/۱۱/۲۸ برابر ۱۷ فوریه ۱۹۲۹

۴ - عهدنامه بی‌طرفی و تأمینیه بین دولت شاهنشاهی ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ۸ ماده، به تاریخ اول اکتبر ۱۹۲۷ برابر مهر ۱۳۰۶.

به موجب این عهدنامه که در تاریخ ۱۳۰۶/۷/۲۷ به تصویب مجلس شورای ملی رسیده، دولتین تعهد می‌کنند که از حمله و تجاوز یا وارد ساختن قوای خود به خاک طرف دیگر خودداری نمایند. در صورتی که یک طرف مورد حمله واقع شود طرف مقابل بی‌طرفی خود را حفظ نماید و طرفین نباید در ائتلافهایی که برضد مصونیت بری و بحری و استقلال طرف متعاقد و یا به منظور محاصره و تحریم اقتصادی (بایکوت) برضد طرف متعاقد است، شرکت جویند. متعاهدین از مداخله در امور داخلی و تبلیغات سوء علیه

- یکدیگر خودداری کرده و اختلافات خود را به وسائل مسالمت آمیز حل خواهند کرد.
- ۵ - مقاله نامه بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی راجع به مبادله امانات پستی در ۲۵ ماده به تاریخ ۱۲ اوت ۱۹۲۹
- ۶ - عهدنامه بین ایران و دولت انگلستان راجع به تعرفه مستقل گمرکی در ۶ فصل به ۱۳۰۷/۲/۲۰ برابر ۱۰ ماه مه ۱۹۲۸. در این قرارداد که در حقیقت جانشین قرارداد کاپیتولاسیون است برای تجارت اتباع انگلیسی تسهیلاتی قائل شدند و پروتکل‌هایی ضمیمه آن می‌باشد
- ۷ - قرارداد راجع به واگذاری خطوط و سیم‌های تلگراف هند و اروپا با ایران در ۶ ماده به تاریخ ۱۷ فوریه ۱۹۳۲ مطابق ۱۳۱۰
- ۸ - عهدنامه مودت بین ایران و ایتالیا در ۴ ماده به تاریخ ۵ سپتامبر ۱۹۲۹
- ۹ - قرارداد اقامت بین ایران و بلژیک در ۱۳ ماده به تاریخ ۹ ماه مه ۱۹۲۹ برابر با اردیبهشت ۱۳۰۸
- ۱۰ - قرارداد تجارت بحریمایی بین دولتین ایران و اتحادیه اقتصادی بلژیک و لوکزامبورگ در ۱۲ ماده به تاریخ ۹ مه ۱۹۲۹ برابر با ۱۹ اردیبهشت ۱۳۰۸
- ۱۱ - عهدنامه مودت بین دولتین ایران و بلژیک در ۶ ماده به تاریخ ۲۳ ماه مه ۱۹۲۹ برابر دوم خرداد ۱۳۰۸
- ۱۲ - قرارداد تجارتي و گمرکی و بحریمایی بین دولتین ایران و چکسلواکی در ۱۲ ماده به تاریخ ۳۰ آوریل ۱۹۲۹
- ۱۳ - عهدنامه مودت بین ایران و جمهوری چکسلواکی در ۵ ماده به تاریخ ۲۹ اکتبر ۱۹۳۰
- ۱۴ - عهدنامه اقامت بین ایران و جمهوری چکسلواکی در ۱۰ ماده به تاریخ ۲۹ اکتبر ۱۹۳۰
- ۱۵ - عهدنامه مودت بین ایران و سوئد در ۵ ماده و یک پروتکل به تاریخ ۲۷ ماه مه ۱۹۲۹ برابر ۶ خرداد ۱۳۰۸
- ۱۶ - عهدنامه اقامت و تجارت و بحریمایی بین دولتین ایران و سوئد شامل ۲۲



- ماده و یک پروتکل به تاریخ ۱۰ مه ۱۹۲۹ برابر با ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۸
- ۱۷ - عهدنامه مودت بین دولتین ایران و فرانسه در ۶ ماده و یک پروتکل به تاریخ ۱۳۰۸/۲/۲۰ برابر با ۱۰ مه ۱۹۲۹
- ۱۸ - عهدنامه مودت بین ایران و فنلاند در ۵ ماده و یک پروتکل به تاریخ ۱۲ دسامبر ۱۹۳۱
- ۱۹ - عهدنامه مودت بین ایران و جمهوری لهستان در ۷ ماده به تاریخ ۲۷ اسفند ۱۳۰۵ برابر ۱۹ مارس ۱۹۲۷
- ۲۰ - قرارداد تجارت بین ایران و لهستان شامل ۱۲ ماده به تاریخ ۲۷ اسفند ۱۳۰۵ برابر ۱۹ مارس ۱۹۲۷
- ۲۱ - مراسلات متقاطیه بین ایران و سجارستان راجع به معامله گمرکی نسبت به محصولات طرفین و یادداشتهای مربوط به آن، به تاریخ ۱۹ ژوئن ۱۹۲۹
- ۲۲ - عهدنامه مودت و تجارت و بحریمایی بین ایران و نروژ شامل ۲۵ ماده به تاریخ ۸ ماه مه ۱۹۳۰
- ۲۳ - عهدنامه مودت بین ایران و یونان شامل ۶ ماده و یک پروتکل به تاریخ ۹ ژانویه ۱۹۳۱
- ۲۴ - عهدنامه تجارت و اقامت و بحریمایی بین ایران و یونان در ۱۸ ماده و یک پروتکل به تاریخ ۹ ژانویه ۱۹۳۱
- ۲۵ - عهدنامه مودت بین ایران و هلند در ۱۴ ماده و یک پروتکل به تاریخ ۱۳۰۸/۱۲/۲۱ برابر با ۱۲ مارس ۱۹۳۰
- ۲۶ - عهدنامه مودت بین دولت شاهنشاهی با جمهوریهایی بالتیک (لتونی در ژانویه ۱۹۳۰ و لیتوانی در ژانویه ۱۹۲۹ و استونی در اکتبر ۱۹۳۱).<sup>۱</sup>
- به این ترتیب پس از دهم ماه مه ۱۹۲۸، دیگر اثری از کاپیتولاسیون در ایران باقی نماند و بیگانگان برای این که وضع حقوقی اتباع خود را در ایران معین نمایند، متوسل به

معاهدات موقتی شدند و بعد این موافقت‌نامه‌های موقت هم تبدیل به معاهدات دائمی و قطعی گردیدند و وضع اتباع بیگانه برخلاف کاپیتولاسیون، کاملاً تابع قوانین ایران بوده و به هیچ وجه برای محاکمات آنها اختیار تشریفات خاص ضرورت نداشت. زیرا طبق ماده ۷ قانون مدنی از لحاظ احوال شخصیه، آنها تابع قوانین دولت متبوع خود بودند. بعد از این تاریخ بلافاصله برای حفظ حقوق مأمورین سیاسی بخش نامه‌ای به تاریخ ۱۳۰۷ از طرف داور وزیر عدلیه انتشار یافت که ذیلاً نقل می‌شود:

متحدالعمال: چون مطابق حقوق عادی بین‌المللی، هیأت نمایندگی سیاسی دارای مصونیت‌های خاصه می‌باشد که از آن جمله، عدم امکان اقامه دعاوی بر علیه آنها است، لذا به عموم محاکم ابلاغ می‌شود: اولاً - قبول دعوی اعم از اینکه دعوی حقوقی باشد یا جزایی بر علیه اشخاص ذیل ممنوع است:

۱ - سفرای کبار، ۲ - وزرای مختار، ۳ - وزرای مقیم، ۴ - شارژدافرها، ۵ - مستشارهای سفارتخانه‌ها، ۶ - نواب سفارتخانه‌ها از هر درجه که باشد، ۷ - اتاشه‌های سفارتخانه‌ها اعم از نظامی یا غیرنظامی، ۸ - عجاتاً اعضای دفتری سفارتخانه‌ها مشروط بر اینکه تبعه همان دولت باشند که سفارتخانه مربوط به آن است.

ثانیاً - هیأت کنسولگری اعم از جنرال کنسول و کنسول و دبیر کنسول و وکیل کنسولگری و غیره از معافیت فوق بهره‌مند نمی‌باشند و بر علیه آنها ممکن است در محاکم قبول دعوی نمود. وزیر عدلیه ۱۳۰۷.<sup>۱</sup>

در این میان فقط دولت انگلیس بود که مقاومت می‌کرد و بهانه آن وجود شرکت نفت جنوب بود که هزاران انگلیسی و هندی در استخدام داشت که بعداً به شرح آن خواهیم پرداخت.<sup>۲</sup>

دلیل مقاومت دولت انگلستان این بود که به موجب مفاد پیمان صلح ۱۸۵۷ و قرارداد تجارتي، حقوق مشابه کاپیتولاسیون را اخذ کرده بود و در هیچ یک از عهدنامه‌های ایران و انگلیس به طور صریح حق قضاوت کنسولی مشخص نشده بود و انگلیس اصرار می‌کرد

۱. دکتر جلال الدین مدنی، حقوق بین الملل خصوصی، ص ۱۲۱.

۲. دکتر جلال الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج اول، ص ۴۵.

که لغو قرارداد ترکمانچای لزوماً به معنی لغو حق بریتانیا نمی‌باشد و می‌گفتند از ۱۸۸۲ تاکنون بریتانیا از این حق برخوردار بوده است و خواستار تداوم عملکرد خود بوده و حاضر به هیچ‌گونه عقب‌نشینی نبودند و پس از اینکه در ۱۲ ماه مه ۱۹۲۷ برابر با ۲۲ اردیبهشت ۱۳۰۶ مسئله کاپیتولاسیون به اطلاع سفارت بریتانیا رسید، در فردای آن روز یعنی ۱۳ مه ۱۹۲۷ جلسه‌ای با حضور نمایندگان دولتهای برخوردار از حق کاپیتولاسیون تشکیل شد و سعی کردند تا هماهنگ عمل کنند. ولی فرانسه اصالتاً از طرف خود و به نمایندگی از طرف اسپانیا که در این زمان حافظ منافع اسپانیا در ایران بود، لغو کاپیتولاسیون را قبول کرد و بریتانیا به تنهایی سعی می‌کرد با دولت ایران معارضه کند.<sup>۱</sup>

و سرانجام با انعقاد پیمان راجع به تعرفه مستقل گمرکی بین ایران و انگلستان در ۱۰ ماه مه ۱۹۲۸ مطابق ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۷ همزمان با روز انقضای مدت یک ساله دولت ایران برای الغاء کاپیتولاسیون، انگلستان با قید اینکه اختلافات خارجیها از جمله انگلیسیها با ایرانیها فقط در دادگاه غیردینی و برحسب قوانین لائیک حل و فصل شود، مسئله لغو کاپیتولاسیون را پذیرفت. و در مقابل ایران هم موافقت کرد که هوایماهای مسافری بریتانیا برای پرواز از هند به لندن از حریم هوایی ایران پرواز کنند.<sup>۲</sup>

بدین ترتیب غائله خاتمه یافت و انگلستان هم در موعد معین به لغو کاپیتولاسیون تن در داد و کاپیتولاسیون درست پس از ۱۰۰ سال در ایران لغو شد. و حاج مخبرالسلطنه هدایت نخست‌وزیر وقت در روز ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۷ با حضور در مجلس شورای ملی رسماً لغو کاپیتولاسیون را اعلام نمود.<sup>۳</sup>

اولین محاکمه اتباع خارجی پس از لغو کاپیتولاسیون در دادگستری ایران در سال ۱۳۱۲ بود که شخصی به نام لیند ثبلات آلمانی که سمت مدیرکل بانک ملی ایران را به

۱. دکتر علی اصغر زرگر، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضا شاه، ترجمه کاوه بیات، از انتشارات معین، تهران، ۱۳۷۲، صص ۱۸۸ - ۱۸۹.

۲. دکتر علی اصغر زرگر، همان، ص ۲۰۸.

۳. دکتر عبدالله معظمی، اثر پیشین، صص ۴۹ و ۵۱ و دکتر مهشید ارفع نیا، حقوق بین الملل خصوصی، ج اول، چ ۱۳۶۹، تهران، ص ۱۸۸ به بعد.

عاهده داشت به اتهام اختلاس و جعل اسناد دولتی در دادگاه جنایی تهران در تاریخ مرداد ۱۳۱۲ محاکمه شد وی دو نفر وکیل ایرانی و یک نفر وکیل خارجی (آلمانی) تعیین کرده بود و سرانجام به ۱۸ ماه زندان و شصت هزار تومان جریمه محکوم گردید. و دولت آلمان هم از نحوه محاکمه اعلام رضایت نمود.<sup>۱</sup>

